

تأثیر برخی سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر محتوای گزارش حسابرسی

رسول برادران حسن زاده^۱، عسگر پاک مرام^۲، قادر حسین بابایی^۳، علی فریادی بناب^۴

چکیده: حسابرسی صورت‌های مالی، ابزاری برای کاهش مخاطره سرمایه‌گذاری‌ها و بهبود کیفیت تصمیم‌گیری درون‌سازمانی و برون‌سازمانی است. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر برخی سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر محتوای گزارش حسابرسی است. دوره زمانی پژوهش سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ در نظر گرفته شده است و جامعه تعدیل شده آن را ۸۱ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران شکل می‌دهد. نتایج پژوهش نشان داد، احتمال دریافت گزارش مقبول در شرکت‌های با درصد مالکان نهادی زیاد و حسابرس بزرگ‌تر، بیشتر است. همچنین با تفکیک وظایف مدیرعامل از رئیس هیئت‌مدیره، احتمال دریافت گزارش مقبول کاهش می‌یابد. مالکان نهادی و مرجع حسابرسی نیز موجب کاهش تعداد بندهای قبل از بند اظهارنظر شده است. علاوه بر این، یافته‌ها نشان می‌دهد تفکیک وظایف مدیرعامل از رئیس هیئت‌مدیره و مرجع حسابرسی نیز، تعداد بندهای بعد از بند اظهارنظر را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، مالکان نهادی و مرجع حسابرسی تعداد بندهای عدم توافق را کاهش داده و استقلال هیئت‌مدیره نیز به افزایش تعداد بندهای عدم توافق منجر شده است.

واژه‌های کلیدی: حاکمیت شرکتی، محتوای گزارش حسابرسی، نوع بندهای گزارش حسابرسی.

۱. دانشیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران
۲. استادیار گروه حسابداری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، بناب، ایران
۳. دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، مرکز گوگان، تبریز، ایران
۴. کارشناس ارشد مدیریت دولتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، بناب، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۸/۱۸

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۵/۰۲/۲۵

نویسنده مسئول مقاله: رسول برادران حسن زاده

E-mail: Baradaran313@iaut.ac.ir

مقدمه

اطلاعات مالی حسابرسی‌شده، ابزاری برای کاهش مخاطره سرمایه‌گذاری‌ها و بهبود کیفیت تصمیم‌گیری درون‌سازمانی و برون‌سازمانی است. فرض اولیه سازوکارهای حاکمیت شرکتی و فرایند حسابرسی که یکی از اجزای بسیار مهم بخش برون‌سازمانی آن تلقی می‌شود، این است که هدف واحد تجاری، حفظ منافع سهامداران است. حسابرسی جزء جدایی‌ناپذیری از فرایند گزارشگری مالی است که با اعتباربخشی به اطلاعات ارائه‌شده، تأثیر شایان توجهی در قضاوت و تصمیم‌گیری آگاهانه استفاده‌کنندگان دارد. محتوای گزارش‌های حسابرسی بر قیمت سهام شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد و بازارهای سرمایه نسبت به انتشار گزارش حسابرسی واکنش نشان می‌دهند؛ اما نکته اساسی برای حسابرسان این است که به‌عنوان نمایندگان بازار، چگونه می‌توانند از وجود حاکمیت شرکتی در جهت اجرای اثربخش‌تر وظایفی چون اعتباردهی، سود ببرند. همان‌طور که قوت حاکمیت شرکتی بر کیفیت گزارشگری مالی مؤثر است، به نظر می‌رسد که این امر به‌طور بالقوه بر تصمیم‌ها و قضاوت‌های حسابرسان در مراحل مختلف کار حسابرسی نیز اثرگذار است. از این رو پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخی به این سؤال اصلی است: تأثیر برخی سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر محتوای گزارش حسابرسان چگونه است؟

پیشینه نظری پژوهش**حاکمیت شرکتی**

آغاز مالکیت شرکتی از طریق مالکیت سهام، تأثیر چشمگیری بر کنترل شرکت‌ها داشت و بدین ترتیب، مالکان اداره شرکت‌ها را به مدیران تفویض کردند. جدایی مدیریت از مالکیت، سبب به‌وجود آمدن مشکل نمایندگی^۱ شد. تضاد میان مالکان و صاحبان سهام شرکت‌ها از دو منبع ریشه می‌گیرد؛ نخست، مدیریت تمایل دارد از برخی منابع شرکت به سود خود استفاده کند. دومین علت از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که اگر مدیران از سهامداران عمده شرکت نباشند، دیگر انگیزه‌ای برای دست‌زدن به کارهای متهورانه، پذیرفتن ریسک‌ها یا گسترش شرکت ندارند (جهان‌خانی، ۱۳۷۳). فاما و جنسن (۱۹۸۳) نشان دادند کیفیت حاکمیت شرکتی سبب بهبود نظارت بر مدیریت شرکت می‌شود و در نتیجه عملکرد شرکت بهبود می‌یابد و هزینه نمایندگی را کاهش می‌دهد.

ساختار هیئت‌مدیره

حاکمیت شرکتی ابعاد گسترده و گوناگونی دارد که یکی از مهم‌ترین بخش‌های آن، بخش هیئت‌مدیره شرکت است. هیئت‌مدیره، بالاترین مرجع تصمیم‌گیری در سازمان‌هاست. انتخاب و کنارگذاری بالاترین مقام اجرایی سازمان و همچنین اتخاذ بسیاری از تصمیم‌های مهم سازمان و نظارت بر اجرای آن، بر عهده هیئت‌مدیره است. از آنجا که تمام مسئولیت اعضای موظف هیئت‌مدیره ارتباط نزدیکی با مدیرعامل دارد، انتظار می‌رود وظیفه نظارت بر مدیریت، به‌طور عمده بر عهده اعضای مستقل هیئت‌مدیره قرار گیرد. بنابراین اعضای غیرموظف جایگاه مهمی در حل مشکل نمایندگی بین مدیران و مالکان دارند (نوروش، کرمی، وافی ثانی، ۱۳۸۸).

بیزلی (۱۹۹۶) به تحلیل رابطه بین ترکیب هیئت‌مدیره و تقلب در صورت‌های مالی پرداخت. نتایج وی نشان داد حضور اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره، احتمال تقلب در صورت‌های مالی را کاهش می‌دهد. نتایج پژوهش السون، هلمز و منکوس (۲۰۰۲) نشان می‌دهد در شرکت‌هایی که انحراف از اصول پذیرفته‌شده حسابداری به چشم می‌خورد و سود بیش از مقدار واقعی گزارش می‌شود، احتمال اینکه مدیران داخلی بر هیئت‌مدیره مسلط باشند و مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره یک نفر باشد، بیشتر است؛ همچنین در این شرکت‌ها احتمال وجود کمیته حسابرسی و سهامداران عمده برون‌سازمانی کمتر است.

مالکان نهادی

بر اساس پیشینه نظری پژوهش، حضور مالکان نهادی موجب کاهش هزینه نمایندگی و کاهش تضاد منافع می‌شود. از آنجا که یکی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی، حضور مالکان نهادی است، انتظار می‌رود حضور مالکان نهادی کیفیت صورت‌های مالی را بهبود بخشد. جدایی مدیریت از مالکیت، تنها دلیل ایجاد مسئله نمایندگی نیست؛ بلکه پراکندگی مالکیت در تعداد زیادی سهامدار کوچک نیز می‌تواند دلیل آن باشد. روهه (۱۹۹۰) معتقد است که در ترکیب مالکیت گسترده، هیچ‌یک از سهامداران کوچک انگیزه‌ای برای نظارت ندارند؛ زیرا در این صورت، هر شخص سهامداری که بخواهد بر عملکرد شرکت نظارت کند، باید هزینه‌های مرتبط با آن را بپردازد و این در حالی است که بقیه سهامداران نیز از آن منافع استفاده می‌کنند (برادران حسن‌زاده، بادآورن‌نندی، حسین بابایی، ۱۳۹۱).

مرجع حسابرسی شرکت

حسابرسی مستقل یکی از مهم‌ترین و در عین حال مؤثرترین سازوکار حاکمیت شرکتی برون‌سازمانی، برای همسو کردن منافع سهامداران و مدیران به‌شمار می‌رود. از سوی دیگر،

خوش‌نامی و شهرت مرجع حسابرسی تأثیر زیادی بر اعتماد^۱ و اعتبار^۲ اطلاعات و داده‌های حسابداری دارد. بر اساس مبانی نظری، اندازه مؤسسه حسابرسی تأثیر مستقیمی بر شهرت و اعتبار آن مؤسسه دارد. فرانسویس و سیمون (۱۹۸۷)، دی (۱۹۹۳)، یانگ جانانان و لین (۱۹۹۳) و هوگان و جتر (۱۹۹۷) نشان دادند، مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ به نسبت مؤسسه‌های کوچک، حسابرسی با کیفیت‌تری انجام می‌دهند (برادران حسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱).

مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ برای کشف اشتباه‌ها و تقلب‌ها، بر کارکنان و منابع لازم این کار سرمایه‌گذاری بیشتری می‌کنند. بنابراین در مقایسه با مؤسسه‌های حسابرسی کوچک‌تر به احتمال بیشتری اظهارنظر تعدیل‌شده ارائه می‌کنند. گال (۱۹۹۲) و باریز (۲۰۰۵) به این نتیجه رسیدند که مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ‌تر در مقایسه با مؤسسه‌های کوچک‌تر برای ایستادگی در برابر فشارهای مدیریت از توانایی بیشتری برخوردارند. اسپاتیس (۲۰۰۳) در بررسی تعدیل گزارش حسابرسی برای شرکت‌های کوچک، نشان داد احتمال اینکه شرکتی گزارش حسابرسی تعدیل‌شده دریافت کند زمانی افزایش می‌یابد که مؤسسه حسابرسی بزرگ‌تری حسابرسی شرکت را برعهده داشته باشد. کراسول (۲۰۰۲) معتقد است که مؤسسه‌های حسابرسی کوچک به احتمال زیاد گزارش خود را تعدیل می‌کنند. امبی و دیویدسون (۱۹۹۸) و هودیپ و کوک (۲۰۰۵) به این نتیجه رسیدند که مؤسسه‌های حسابرسی با اندازه‌های مختلف هنگام تصمیم‌گیری در شرایط تضاد (با مدیریت)، اختلاف معناداری با یکدیگر ندارند؛ در حالیکه فاروجیا و بالدینو (۲۰۰۵) ارتباط معناداری بین نوع بندهای شرط و مرجع حسابرسی یافتند (امینی، محمدی و عباسی، ۱۳۹۰).

پیشینه تجربی پژوهش

مگ (۱۹۹۸) نشان داد نظارت سرمایه‌گذاران نهادی بر شرکت، می‌تواند مدیران را وادار به تأکید بیشتر بر عملکرد شرکت و کاهش رفتار فرصت‌طلبانه یا خویش‌نطلبانه کند. لین و لیو (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان تأثیر حاکمیت شرکتی بر انتخاب حسابرس، سازوکارهای حاکمیت شرکتی را با شاخص‌های تمرکز مالکیت، اندازه هیئت سرپرستی و دوگانگی رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل اندازه‌گیری نمودند و حسابرسان را به دو گروه بزرگ و سایر طبقه‌بندی کردند. وی به این نتیجه رسید که شرکت‌های با سهامداران کنترلی بزرگ و هیئت نظارتی کوچک‌تر و شرکت‌هایی که یک فرد مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره آن است، تمایل کمتری به استخدام حسابرسان بزرگ (با کیفیت بالا) دارند.

پری (۲۰۰۹)، طی پژوهشی رابطه بین حاکمیت شرکتی، کیفیت اطلاعات حسابداری و نوع اظهارنظر حسابرسان مستقل را بررسی کرد. بر اساس نتایج وی، ویژگی‌های غالب شرکت‌هایی که حسابرسان آنها از اظهارنظر نامقبول برای بیان مطلوبیت صورت‌های مالی استفاده کرده‌اند، عبارت‌اند از: اعضای هیئت‌مدیره آنها تخصص مالی نداشته‌اند؛ از خدمات حسابرسی مستقلی غیر از چهار مؤسسه بزرگ حسابرسی^۱ بهره برده‌اند؛ طبق گزارش‌های خود دارای ارزش ویژه منفی بوده‌اند و عمده آنها به صورت خصوصی کنترل می‌شده‌اند؛ مالکان نهادی در این شرکت‌ها حضور نداشته‌اند و اغلب درگیر دعاوی حقوقی بوده‌اند. بر اساس یافته‌های این پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد، بین هیئت‌مدیره با تخصص مالی و استفاده از خدمات حسابرسی چهار شرکت بزرگ، با ارائه اظهارنظر مقبول توسط حسابرسان مستقل، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش همچنین نشان می‌دهد بین وجود کمیته حسابرسی در ساختار کنترلی شرکت و ارائه اظهارنظر مقبول توسط حسابرس، رابطه معناداری برقرار نیست.

حبیب‌زاده و همکارانش در پژوهشی تأثیر برخی از ویژگی‌های حاکمیت شرکتی همچون مالکیت نهادی، اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره، دوگانگی مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره و حسابرسی داخلی را بر نوع گزارش حسابرس در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که با حضور درصد بالای اعضای غیرموظف در ترکیب هیئت‌مدیره و همچنین بهره‌مندی از حسابرسان داخلی، احتمال دریافت گزارش مقبول بیشتر است. همچنین با دوگانگی وظیفه مدیرعامل، احتمال دریافت اظهارنظر تعدیل‌شده حسابرسی بیشتر می‌شود. آنها همچنین ارتباط آماری معناداری بین مالکیت نهادی و نوع اظهارنظر حسابرس مشاهده نکردند (حبیب‌زاده بیگی، نجاریان، نجاری و خلوصی، ۱۳۹۱).

مصطفی و عبدالسلام (۲۰۱۲) اثربخشی شیوه‌های حاکمیت شرکتی بر کیفیت حسابرسی را بررسی کردند. نتایج بیان‌کننده این بود که استقلال هیئت‌مدیره و دوگانگی مدیرعامل و کمیته حسابرسی با کیفیت حسابرس (حسابرسان بزرگ)، ارتباط مثبت و معناداری دارند؛ اما بین سرمایه‌گذاران نهادی و مالکیت مدیران با کیفیت حسابرسی، رابطه معناداری مشاهده نشد.

حساس‌یگانه و داداشی (۱۳۸۹ الف) به بررسی تأثیر کیفیت سازوکارهای حاکمیت شرکتی صاحبکار بر اظهارنظر حسابرسان مستقل پرداختند. در فرضیه‌های این پژوهش، اظهارنظرهای حسابرسان مستقل ۹۰ شرکت بورسی در دوره زمانی هشت‌ساله (سال‌های ۸۰ تا ۸۷) با در نظر گرفتن رتبه حاکمیتی این شرکت‌ها تحلیل شده است. یافته‌ها نشان داد بین کیفیت حاکمیت

شرکتی در شرکت های با رتبه حاکمیتی متوسط و ضعیف و ارائه اظهار نظر نامقبول توسط حسابرسان مستقل، رابطه معناداری وجود دارد؛ اما چنین رابطه ای برای صاحبکارانی با سطح حاکمیتی قوی و ارائه اظهار نظر مقبول حسابرسان مستقل، مشاهده نشد.

حساس یگانه و داداشی (۱۳۸۹ب) در پژوهش دیگری، تأثیر سازوکارهای حاکمیتی همچون ساختار هیئت مدیره شرکت، حسابرسی داخلی (سازوکارهای نظارتی درون سازمانی حاکمیت شرکتی) را بر تصمیمها و برنامه ریزی های حسابرسان مستقل بررسی کردند. نتایج نشان داد به غیر از حسابرسی داخلی، سایر سازوکارهای حاکمیتی تأثیری بر فرایند برنامه ریزی و قضاوت های حسابرسان مستقل ایرانی ندارند. تنها در یک مورد، یافته ها نشان داد درصد مدیران غیرموظف در ساختار هیئت مدیره شرکت بر ارزیابی ریسک ذاتی حسابرسان، اثرگذار است.

در این پژوهش با توجه به مبانی نظری، پنج فرضیه بررسی و آزمون می شود؛ بدین شکل که در هر فرضیه یک بعد از اجزای محتوای گزارش حسابرس (شامل: نوع اظهار نظر، تعداد بندهای قبل و بعد از اظهار نظر، تعداد بندهای محدودیت و ابهام رسیدگی و تعداد بندهای عدم توافق) به عنوان متغیر وابسته وارد مدل رگرسیونی خواهد شد:

۱. سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر نوع اظهار نظر حسابرس تأثیر دارد؛
۲. سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر تعداد بندهای قبل از اظهار نظر تأثیر دارد؛
۳. سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر تعداد بندهای بعد از اظهار نظر تأثیر دارد؛
۴. سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر تعداد بندهای محدودیت و ابهام تأثیر دارد؛
۵. سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر تعداد بندهای عدم توافق تأثیر دارد.

روش شناسی پژوهش

هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر برخی سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر محتوای گزارش حسابرسان است؛ بنابراین پژوهش حاضر از لحاظ هدف در دسته پژوهش های کاربردی قرار دارد و از لحاظ روش شناسی از نوع تحقیقات همبستگی علی پس از وقوع است. همچنین به لحاظ ارتباط با محیط پیرامونی، از جمله پژوهش های شبه تجربی به شمار می رود. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. برای انتخاب جامعه آماری پژوهش شرایطی به شرح زیر لحاظ می شود:

۱. سال مالی شرکت ها منتهی به پایان اسفند هر سال باشد؛
۲. قبل از سال ۱۳۸۶ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد؛

۳. طی قلمرو زمانی پژوهش، هیچ‌گونه توقف فعالیت نداشته و دوره مالی خود را تغییر نداده باشد؛

۴. تمام اطلاعات لازم برای پژوهش در دسترس باشد؛

۵. جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری (مادرشرکت)، واسطه‌گری مالی (لیزینگ و بانک) و بیمه نباشد.

با در نظر گرفتن شرایط بالا، ۸۱ شرکت جامعه آماری این پژوهش را شکل داد. قلمرو زمانی پژوهش شامل شش سال (۱۳۹۱-۱۳۸۶) و در مجموع ۴۸۶ سال - شرکت است؛ با این حال برای محاسبه متغیر دوره تصدی، از اطلاعات سال‌های قبل از ۱۳۸۶ نیز استفاده شده است. داده‌ها به کمک نرم‌افزارهای تدبیرپرداز و ره‌آورد نوین و اطلاعات منتشرشده شرکت‌ها در شبکه کدال گردآوری شدند. آزمون فرضیه‌ها نیز پس از جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از نسخه ۱۸ نرم‌افزار SPSS اجرا شد.

مدل پایه و نحوه اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

در این پژوهش بر اساس تحقیقات پری‌یرا (۲۰۰۹)، حبیب‌زاده بیگی و همکاران (۱۳۹۱) و حساس‌یگانه و داداشی (۱۳۸۹ب)، برای بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر محتوای گزارش حسابرس، از مدل رگرسیونی خطی زیر استفاده می‌شود.

$$AR_{i,t} = \alpha + \beta_1(CGM_{i,t}) + \beta_2(LEV_{i,t}) + \beta_3(SIZE_{i,t}) + \beta_4(TENURE_{i,t}) + \varepsilon_{i,t} \quad (۱)$$

که در آن، $AR_{i,t}$ ابعاد مختلف محتوای گزارش حسابرس؛ $CGM_{i,t}$ سازوکارهای حاکمیت شرکتی؛ $LEV_{i,t}$ اهرم مالی؛ $SIZE_{i,t}$ اندازه شرکت و $TENURE_{i,t}$ دوره تصدی حسابرس است. در بخش‌های بعدی به تعریف عملیاتی متغیرهای بیان شده پرداخته خواهد شد.

نحوه اندازه‌گیری سازوکارهای حاکمیت شرکتی

در این پژوهش از چهار سازوکار حاکمیت شرکتی به شرح زیر استفاده شده است:
الف) میزان مالکان نهادی؛ از طریق نسبت سهام در اختیار مالکان نهادی به کل سهام شرکت محاسبه می‌شود. سرمایه‌گذاران نهادی^۱ مؤسسه‌هایی هستند که به خرید و فروش حجم

زیادی از اوراق بهادار می‌پردازند. مطابق با ادبیات موجود، بانک‌ها، بیمه‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق‌های بازنشستگی و... سرمایه‌گذاران نهادی تلقی می‌شوند (نوروش و همکاران، ۱۳۸۸).

ب) تفکیک وظایف مدیرعامل از رئیس هیئت‌مدیره؛ اگر پست مدیرعامل و رئیس با نایب رئیس هیئت‌مدیره همزمان بر عهده یک نفر باشد، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک لحاظ می‌شود.

ج) مرجع حسابرس؛ طبق پژوهش رمضان احمدی و جمالی (۱۳۹۲)، برادران حسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۱)، حساس‌یگانه و آذین‌فر (۱۳۸۹) و نمازی، بایزیدی و جبارزاده کنگرلویی (۱۳۹۰)، اگر صورت‌های مالی شرکت توسط حسابرس بزرگ (سازمان حسابرسی و مؤسسه حسابرسی مفیدراهر) رسیدگی شود، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر لحاظ می‌شود.

د) استقلال هیئت‌مدیره؛ از طریق نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره به کل اعضای هیئت‌مدیره محاسبه می‌شود (نیکبخت و طاهری، ۱۳۹۳).

نحوه اندازه‌گیری محتوای گزارش حسابرس

قالب اصلی گزارش‌های حسابرسی را بندهایی شامل بندهای مقدماتی، بندهای شرط، بند اظهارنظر و بندهای بعد از اظهارنظر (تأکید بر مطلب خاص و سایر موارد توضیحی و قانونی) شکل می‌دهد. با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، عمده‌ترین موارد بندهای شرط که به صدور گزارش‌های مشروط منجر می‌شود، شامل بندهای محاسبه بهای تمام‌شده، مسائل مالیاتی، دریافت نکردن پاسخ تأییدیه‌های حسابرسی، تسعیر ارز به‌خصوص در سنوات اخیر، مسائل و ملاحظات خاص در صورت‌های مالی تلفیقی، ذخیره کاهش ارزش سرمایه‌گذاری‌ها و موجودی کالا، مطالبات راکد و... است. همچنین اهم موارد در بندهای بعد از اظهارنظر حسابرس نیز شامل بندهای تأکید بر مطالب خاص و موارد عدم رعایت قانون تجارت است. در این پژوهش از پنج متغیر به شرح زیر برای بررسی محتوای گزارش حسابرسان استفاده می‌شود:

الف) نوع اظهارنظر حسابرس؛ اگر اظهارنظر حسابرس از نوع مقبول باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر لحاظ می‌شود.

ب) تعداد بندهای قبل از اظهارنظر حسابرس (بندهای شرط)؛ از طریق شمردن تعداد بندهای قیدشده در گزارش‌های حسابرسی محاسبه می‌شود.

ج) تعداد بندهای بعد از اظهارنظر؛ از طریق شمردن بندهای قیدشده در گزارش حسابرسی و بندهای گزارش بازرس قانونی، فقط موارد عدم رعایت قانون تجارت (بندهای منفی گزارش بازرس) محاسبه می‌شود.

(د) تعداد بندهای محدودیت و ابهام در گزارش حسابرس؛ از طریق شمردن تعداد بندهای ذکر شده در گزارش‌های حسابرسی به دست می‌آید.

(ج) تعداد بندهای عدم توافق؛ از طریق شمردن تعداد بندهای قید شده در گزارش‌های حسابرسی به دست می‌آید.

متغیرهای کنترلی

در این پژوهش بر اساس تحقیقات پری یرا (۲۰۰۹)، حبیب‌زاده بیگی و همکاران (۱۳۹۱) و حساس‌یگانه و داداشی (۱۳۸۹ب)، اندازه شرکت، اهرم مالی و دوره تصدی، متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شدند که نحوه سنجش هر یک به شرح زیر است:

(الف) اندازه شرکت؛ در این پژوهش از محاسبه لگاریتم طبیعی دارایی‌های شرکت در پایان دوره سنجیده می‌شود.

(ب) درجه اهرم مالی؛ از طریق نسبت بدهی‌ها به کل دارایی‌های پایان دوره محاسبه می‌شود.

(ج) دوره تصدی حسابرس؛ یکی از شاخص‌های کمی اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، میزان مراقبت حرفه‌ای حسابرس و توانایی نظارت آن، یعنی دوره تصدی حسابرس است. هر چه دوره تصدی حسابرس بیشتر باشد، شناخت او از صاحبکار و تخصص او در آن صنعت خاص بیشتر می‌شود و کیفیت حسابرسی را افزایش خواهد شد (نمازی و همکاران، ۱۳۹۰). از سوی دیگر، تداوم کار کارکنان ارشد مؤسسه حسابرسی با صاحبکار خاص، ممکن است موجب آشنایی نزدیک (روابط صمیمانه) یا کاهش استقلال شود. در این پژوهش اگر وظیفه حسابرسی شرکت بیش از سه سال متوالی برعهده یک مؤسسه حسابرسی باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر لحاظ می‌شود. از این رو برای سنجش این متغیر از اطلاعات قبل از دوره تحقیق (۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵) استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

نتایج تحلیل‌های توصیفی در جدول‌های ۱ و ۲ درج شده است. تحلیل توصیفی در دو حوزه متغیرهای کمی و کیفی، نشان می‌دهد متوسط استقلال هیئت‌مدیره در شرکت‌های نمونه برابر با ۰/۶۱۸ است؛ به این معنا که بیشتر افراد هیئت‌مدیره را اعضای غیرموظف شکل می‌دهد. متوسط درصد مالکیت نهادی نیز برای شرکت‌های مورد مطالعه برابر با ۷۴/۸ درصد به دست آمد که نشان می‌دهد ساختار مالکیت شرکت‌های مورد مطالعه اغلب نهادی است. همچنین میانگین

تعداد بندهای قبل و بعد از اظهارنظر، به ترتیب ۳/۵۱۶ و ۶/۱۴۳ بند است. به طور میانگین در شرکت های نمونه، حسابرسان ۰/۶۰۹ بند ابهام و محدودیت داشته اند و ۰/۹۲۱ بند عدم توافق ارائه کرده اند. تحلیل فراوانی متغیرهای کیفی نیز نشان می دهد از ۴۸۶ سال- شرکت در نمونه آماری، ۱۵۵ سال- شرکت (۳۲ درصد) توسط حسابرسان بزرگ و ۳۳۱ سال- شرکت توسط سایر مؤسسه ها حسابرسی شده اند. بر اساس نتایج آمار توصیفی، تفکیک وظایف مدیرعامل از رئیس و نایب رئیس هیئت مدیره در ۷۶ درصد شرکت ها انجام شده است. از ۴۸۶ گزارش حسابرسی بررسی شده برای شرکت ها، ۲۰۶ گزارش (۴۲ درصد) مقبول و ۲۸۰ گزارش نامقبول بوده است. دوره تصدی بیش از سه سال متوالی نیز در ۱۵۶ سال- شرکت (۳۲ درصد) مشاهدات وجود دارد.

جدول ۱. نتایج تحلیل توصیفی داده های کمی پژوهش

نام متغیر	علامت	تعداد مشاهدات	میانگین	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
استقلال هیئت مدیره	BIND	۴۸۶	۰/۶۱۸	۰/۶۰۰	۰/۲۰۲	۰/۰۰۰	۱
مالکیت نهادی	BHOLD	۴۸۶	۰/۷۴۸	۰/۷۹۵	۰/۲۰۴	۰/۰۰۰	۱
تعداد بندهای قبل از اظهارنظر	NPBO	۴۸۶	۳/۵۱۶	۳	۱/۷۸۰	۰/۰۰۰	۹
تعداد بندهای بعد از اظهارنظر	NPAO	۴۸۶	۶/۱۴۳	۶	۲/۵۱۲	۰/۰۰۰	۱۶
تعداد بندهای محدودیت و ابهام	NPL	۴۸۶	۰/۶۰۹	۰/۰۰۰	۰/۸۷۰	۰/۰۰۰	۴
تعداد بندهای عدم توافق	NPS	۴۸۶	۰/۹۲۱	۰/۰۰۰	۱/۲۱۲	۰/۰۰۰	۵
اهرم مالی	LEV	۴۸۶	۰/۶۴۹	۰/۶۴۱	۰/۲۳۵	۰/۱۰۰	۰/۹۶۰
اندازه شرکت	SIZE	۴۸۶	۱۳/۶۰۲	۱۳/۳۰۴	۱/۵۴۸	۹/۸۸۰	۱۸/۴۴۰

جدول ۲. نتایج تحلیل فراوانی داده های کیفی پژوهش

نام متغیر	علامت	تعداد مشاهدات	پاسخ	فراوانی	درصد
مرجع حسابرسی شرکت	AUDIT	۴۸۶	حسابرسان بزرگ (۱) سایر مؤسسه های حسابرسی (۰)	۱۵۵ ۳۳۱	۳۲ ۶۸
تفکیک وظایف مدیرعامل از رئیس هیئت مدیره	DUAL	۴۸۶	تفکیک شده است (۱) تفکیک نشده است (۰)	۳۷۰ ۱۱۶	۷۶ ۲۴
نوع اظهارنظر حسابرس	KOAO	۴۸۶	گزارش حسابرسی مقبول (۱) گزارش حسابرسی نامقبول (۰)	۲۰۶ ۲۸۰	۴۲ ۵۸
دوره تصدی حسابرس	TENURE	۴۸۶	دوره تصدی وجود دارد (۱) دوره تصدی وجود ندارد (۰)	۱۵۶ ۳۳۰	۳۲ ۶۸

آزمون فرضیه‌های پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، طبق مدل رگرسیونی (رابطه ۱) از رگرسیون لجستیک برای فرضیه اول و از رگرسیون حداقل مربعات معمولی برای چهار فرضیه دیگر بهره برده شده است. فرضیه اول: سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر نوع اظهارنظر حسابرس تأثیر دارد. نتایج آزمون فرضیه اول سطح معناداری آماره کای دو (۰/۰۰۰) را کمتر از سطح خطای پذیرش (۵ درصد) نشان می‌دهد؛ از این رو کل مدل رگرسیونی معنادار است. پایین بودن سطح معناداری آماره والد از سطح خطای پذیرش برای متغیرهای مرجع حسابرسی، تفکیک وظایف مدیرعامل از رئیس هیئت‌مدیره، درصد مالکیت نهادی، دوره تصدی حسابرس و اهرم مالی، نشان می‌دهد مرجع حسابرسی، درصد مالکیت نهادی و دوره تصدی حسابرس، موجب افزایش دریافت گزارش‌های مقبول می‌شود و در مقابل، تفکیک وظایف مدیرعامل و اهرم مالی تأثیر منفی و معناداری بر نوع اظهارنظر حسابرسان می‌گذارد. ضریب تعیین پزودو نیز نشان می‌دهد متغیرهای وارد شده در رگرسیون، توانسته‌اند بین ۲۸ تا ۳۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند.

جدول ۳. نتایج آزمون فرضیه اول

متغیرها	ضریب (B)	آماره والد	سطح معناداری (Sig)
مقدار ثابت	-۰/۸۱۴	۰/۳۲۹	۰/۵۶۶
مرجع حسابرسی	۰/۳۱۶	۱/۹۹۸	۰/۰۴۱
استقلال هیئت‌مدیره	۰/۳۸۵	۰/۳۷۵	۰/۵۴۰
تفکیک وظایف مدیرعامل	-۰/۸۹۸	۱۰/۱۴۷	۰/۰۰۱
درصد مالکیت نهادی	۲/۹۲۷	۱۶/۱۹۸	۰/۰۰۰
دوره تصدی	۱/۶۷۶	۴۰/۸۹۲	۰/۰۰۰
اهرم مالی	-۳/۸۸۳	۳۳/۶۶۹	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	-۰/۰۸۱	۰/۹۰۹	۰/۳۴۰
آماره کای دو	۱۳۰/۷۵۱	ضریب تعیین پزودو	Cox & Snell = ۰/۲۸
سطح معناداری	(۰/۰۰۰)		Nagelkerke = ۰/۳۷

فرضیه دوم: سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر تعداد بندهای قبل از اظهارنظر تأثیر دارد. نتایج آزمون فرضیه دوم سطح معناداری آماره F را کمتر از سطح خطای پذیرش نشان می‌دهد؛ از این رو کل مدل رگرسیونی معنادار است. نتایج بررسی همخطی بین متغیرهای مستقل و کنترلی نیز نشان می‌دهد همخطی در مدل وجود ندارد. آماره دوربین واتسون در

محدوده قابل قبول (۵/۵-۱/۲) قرار دارد. پایین بودن سطح معناداری آماره t از سطح خطای پذیرش برای متغیرهای مرجع حسابرسی، درصد مالکیت نهادی، دوره تصدی حسابرس و اهرم مالی، نشان دهنده این است که مرجع حسابرسی، درصد مالکیت نهادی و دوره تصدی حسابرس، موجب کاهش تعداد بندهای قبل از اظهار نظر می شود و در مقابل، اهرم مالی تأثیر مثبت و معناداری بر تعداد بندهای قبل از بند اظهار نظر حسابرسان می گذارد. ضریب تعیین نیز نشان می دهد متغیرهای وارد شده، توانسته اند ۳۰/۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند.

جدول ۴. نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیرها	ضریب (B)	آماره t	معناداری (Sig)	شاخص وضعیت (VIF)
مقدار ثابت	۱/۱۳۵	۱/۳۶۱	۰/۱۷۴	-
مرجع حسابرسی	-۰/۲۳۲	-۱/۹۹۷	۰/۰۴۲	۱/۱۸۱
استقلال هیئت مدیره	۰/۱۲۱	۰/۳۰۹	۰/۷۵۷	۱/۱۲۴
تفکیک وظایف مدیرعامل	۰/۲۳۰	۱/۲۹۲	۰/۱۹۷	۱/۰۳۳
درصد مالکیت نهادی	-۱/۰۰۸	-۲/۶۵۹	۰/۰۰۸	۱/۰۸۱
دوره تصدی	-۰/۹۱۴	-۵/۵۴۸	۰/۰۰۰	۱/۰۴۸
اهرم مالی	۳/۳۲۵	۱۰/۱۵۴	۰/۰۰۰	۱/۰۶۹
اندازه شرکت	۰/۰۸۰	۱/۵۴۶	۰/۱۲۳	۱/۱۵۰
آماره F		۲۴/۷۶۴	آماره دوربین واتسون	۱/۷۰۸
سطح معناداری		(۰/۰۰۰)	ضریب تعیین	۰/۳۰۴

فرضیه سوم: سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر تعداد بندهای بعد از اظهار نظر تأثیر دارد. نتایج آزمون فرضیه سوم سطح معناداری آماره F را کمتر از سطح خطای پذیرش نشان می دهد؛ از این رو کل مدل رگرسیونی معنادار است. آماره دوربین واتسون در محدوده قابل قبول (۵/۵-۱/۲) قرار دارد. پایین بودن سطح معناداری آماره t از سطح خطای پذیرش برای ضریب مثبت بودن علامت ضریب، نشان دهنده این است که تمام متغیرهای یاد شده، سبب افزایش تعداد بندهای بعد از بند اظهار نظر حسابرس می شوند. ضریب تعیین نیز نشان می دهد متغیرهای وارد شده در رگرسیون، توانسته اند ۸/۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند.

جدول ۵. نتایج آزمون فرضیه سوم

متغیرها	ضریب (B)	آماره t	معناداری (Sig)	شاخص وضعیت (VIF)
مقدار ثابت	۴/۰۲۴	۲/۹۷۸	۰/۰۰۳	-
مرجع حسابرسی	۰/۷۶۷	۲/۷۲۵	۰/۰۰۷	۱/۱۸۱
استقلال هیئت‌مدیره	-۰/۹۵۶	-۱/۵۱۲	۰/۱۳۱	۱/۱۲۴
تفکیک وظایف مدیرعامل	۰/۸۶۳	۲/۹۹۳	۰/۰۰۳	۱/۰۳۳
درصد مالکیت نهادی	-۱/۰۹۰	-۱/۷۷۳	۰/۰۷۷	۱/۰۸۱
دوره تصدی	-۰/۰۰۸	-۰/۰۳۱	۰/۹۷۶	۱/۰۴۸
اهرم مالی	۱/۷۱۱	۳/۲۲۵	۰/۰۰۱	۱/۰۶۹
اندازه شرکت	۰/۷۱۱	۱/۹۹۷	۰/۰۴۲	۱/۱۵۰
آماره F		۵/۰۳۳	آماره دوربین واتسون	۱/۷۱۷
سطح معناداری	(۰/۰۰۰)	ضریب تعیین		۰/۰۸۲

فرضیه چهارم: سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر تعداد بندهای محدودیت و ابهام تأثیر دارد. نتایج آزمون فرضیه چهارم سطح معناداری آماره F را کمتر از سطح خطای پذیرش نشان می‌دهد؛ از این رو کل مدل رگرسیونی معنادار است. آماره دوربین واتسون در محدوده قابل قبول (۱/۲-۵/۵) قرار دارد. پایین بودن سطح معناداری آماره t از سطح خطای پذیرش برای ضریب متغیرهای دوره تصدی و اهرم مالی بیان‌کننده این است که دوره تصدی موجب کاهش تعداد بندهای محدودیت و ابهام گزارش حسابرسی می‌شود و در مقابل، اهرم مالی تأثیر مثبت و معناداری بر تعداد بندهای محدودیت و ابهام می‌گذارد. بر اساس ضریب تعیین به‌دست‌آمده، متغیرهای واردشده توانسته‌اند ۱۷/۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند.

جدول ۶. نتایج آزمون فرضیه چهارم

متغیرها	ضریب (B)	آماره t	معناداری (Sig)	شاخص وضعیت (VIF)
مقدار ثابت	-۰/۲۸۱	-۰/۶۳۵	۰/۵۲۶	-
مرجع حسابرسی	-۰/۰۹۴	-۱/۰۲۴	۰/۳۰۶	۱/۱۸۱
استقلال هیئت‌مدیره	-۰/۲۶۶	-۱/۲۸۵	۰/۲۰۰	۱/۱۲۴
تفکیک وظایف مدیرعامل	۰/۱۴۸	۱/۵۶۴	۰/۱۱۸	۱/۰۳۳
درصد مالکیت نهادی	-۰/۳۱۱	-۱/۵۴۴	۰/۱۲۳	۱/۰۸۱
دوره تصدی	-۰/۲۹۸	-۳/۴۱۰	۰/۰۰۱	۱/۰۴۸
اهرم مالی	۱/۲۸۳	۷/۳۷۷	۰/۰۰۰	۱/۰۶۹
اندازه شرکت	۰/۰۳۴	۱/۲۴۸	۰/۲۱۳	۱/۱۵۰
آماره F		۱۲/۳۸۰	آماره دوربین واتسون	۱/۸۱۱
سطح معناداری	(۰/۰۰۰)	ضریب تعیین		۰/۱۷۹

فرضیه پنجم: سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر تعداد بندهای عدم توافق تأثیر دارد. نتایج آزمون فرضیه پنجم سطح معناداری آماره F را کمتر از سطح خطای پذیرش نشان می‌دهد؛ از این رو کل مدل رگرسیونی معنادار است. آماره دوربین واتسون در محدوده قابل قبول (۱/۲-۵/۵) قرار دارد. پایین بودن سطح معناداری آماره t از سطح خطای پذیرش برای ضریب متغیرهای مرجع حسابرسی، استقلال هیئت مدیره، درصد مالکیت نهادی، دوره تصدی و اهرم مالی، نشان دهنده این است که مرجع حسابرسی، درصد مالکیت نهادی و دوره تصدی، موجب کاهش تعداد بندهای عدم توافق گزارش حسابرس می‌شود و در مقابل، استقلال هیئت مدیره و اهرم مالی تأثیر مثبت و معناداری بر تعداد بندهای عدم توافق گزارش حسابرس می‌گذارند. ضریب تعیین نیز گویای این است که متغیرهای وارد شده در مدل، توانسته‌اند ۲۵/۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند.

جدول ۷. نتایج آزمون فرضیه پنجم

متغیرها	ضریب (B)	آماره t	معناداری (Sig)	شاخص وضعیت (VIF)
مقدار ثابت	-۰/۴۷۴	-۰/۸۰۸	۰/۴۲۰	-
مرجع حسابرسی	-۰/۱۴۷	-۲/۱۰۱	۰/۰۳۰	۱/۱۸۱
استقلال هیئت مدیره	۰/۳۸۶	۲/۰۰۵	۰/۰۳۲	۱/۱۲۴
تفکیک وظایف مدیرعامل	۰/۰۵۷	۰/۵۴۸	۰/۶۴۷	۱/۰۳۳
درصد مالکیت نهادی	-۰/۶۷۸	-۲/۵۴۱	۰/۰۱۱	۱/۰۸۱
دوره تصدی	-۰/۶۳۳	-۵/۴۶۳	۰/۰۰۰	۱/۰۴۸
اهرم مالی	۱/۹۶۷	۸/۵۳۴	۰/۰۰۰	۱/۰۶۹
اندازه شرکت	۰/۰۴۳	۱/۱۸۸	۰/۲۳۶	۱/۱۵۰
آماره F		۱۹/۴۸۶	آماره دوربین واتسون	۱/۷۸۹
سطح معناداری		(۰/۰۰۰)	ضریب تعیین	۰/۲۵۶

نتیجه گیری و پیشنهادها

نتایج پژوهش نشان داد حضور مالکان نهادی، موجب کاهش تعداد بندهای قبل از اظهار نظر حسابرس می‌شود و به تبع آن، زمینه دریافت گزارش مقبول حسابرسی را فراهم می‌آورد. نتایج این پژوهش مطابق یافته‌های جمیل الصوفی، الموبیدن، العبدی و مخلوف (۲۰۱۳)، نوروش و ابراهیمی کردلر (۱۳۸۴) و حساس یگانه و داداشی (۱۳۸۹) است و با پژوهش حبیب زاده بیگی و همکاران (۲۰۱۲) همخوانی ندارد.

خداشادار شدن استقلال هیئت مدیره، انگیزه اعضای آن را برای کسب اطمینان از اینکه مدیریت اجرایی شرکت به دنبال انجام فعالیت‌های افزایش دهنده ثروت سهامداران است، کاهش

می‌دهد. تفکیک دو موقعیت شغلی پیش‌گفته، در گزارش کدبری و آیین‌نامه نظام حاکمیت شرکتی نیز تأکید شده است (مشایخی و جلالی، ۱۳۹۱). بنابراین، بر اساس مبانی نظری انتظار می‌رود، تفکیک وظایف مدیرعامل از رئیس هیئت‌مدیره شرکت بر محتوای گزارش حسابرس تأثیر مثبت داشته باشد. نتایج پژوهش با توجه به تأثیر منفی تفکیک وظایف مدیرعامل از رئیس هیئت‌مدیره بر نوع اظهارنظر حسابرس و تأثیر مثبت بر تعداد بندهای بعد از اظهارنظر حسابرس، مغایر با ادبیات پژوهش است و با یافته‌های حبیب‌زاده بیگی و همکارانش (۲۰۱۲) همخوانی ندارد.

بر اساس مبانی نظری انتظار می‌رود، شرکت‌هایی که هیئت‌مدیره آنها استقلال زیادی دارند، گزارش حسابرس به‌طور عمده از نوع مقبول و تعداد بندهای شرط گزارش حسابرس نیز کمتر باشد. نتایج پژوهش با توجه به معنادار نبودن تأثیر استقلال هیئت‌مدیره بر تمام ابعاد گزارش حسابرس و تأثیر مثبت استقلال هیئت‌مدیره بر تعداد بندهای عدم توافق گزارش حسابرس، مطابق ادبیات نظری نیست و با یافته‌های حبیب‌زاده بیگی و همکارانش (۲۰۱۲) همخوانی ندارد. دلیل اصلی این نتیجه ممکن است وجود بندهایی با ماهیت ساختاری و تکراری در گزارش‌های حسابرسی باشد. بندهایی همانند نبود معاملات با اشخاص وابسته، حسابرسی سال قبل توسط حسابرس دیگر، وصول نشدن مطالبات سنوات پیش، مسائل مالیاتی و دریافت نکردن پاسخ تأییدیه‌ها و... که در تمام گزارش‌های حسابرسی شرکت‌های بورسی با حاکمیت شرکتی قوی یا ضعیف به‌شکل گسترده مشاهده می‌شود.

نتایج پژوهش نشان داد، مرجع حسابرسی بر نوع اظهارنظر حسابرس و تعداد بندهای بعد از اظهارنظر گزارش حسابرس تأثیر مثبتی دارد و بر تعداد بندهای قبل از بند اظهارنظر (بند شرط) و تعداد بندهای عدم توافق، به‌طور منفی و معنادار اثرگذار است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت در شرکت‌هایی که سازمان حسابرسی وظیفه حسابرسی صورت‌های مالی را برعهده دارد، به‌دلیل کیفیت بالای حسابرسی، وسواس و دقت بیشتری در گزارشگری مالی و ارائه صورت‌های مالی به‌عمل می‌آید که در اغلب موارد به ارائه اظهارنظر مقبول منجر می‌شود؛ اما سایر شرکت‌ها تمایل کمتری به استخدام سازمان حسابرسی (با کیفیت بالا حسابرسی) دارند. از سوی دیگر، یکی از محدودیت‌های عمده پژوهش، بندهای کلیشه‌ای و تکراری مندرج در گزارش‌های حسابرسی است که تعداد آنها در حاکمیت شرکتی قوی یا ضعیف کاهش نمی‌یابد. نتایج این پژوهش با یافته‌های لین و هوانگ (۲۰۱۰) همخوانی دارد، اما با نتایج پژوهش‌های گال (۱۹۹۲)، باریز و همکاران (۲۰۰۵)، اسپاتیس (۲۰۰۳) و کراسول (۲۰۰۲) مطابقت ندارد.

با توجه به نتایج آزمون فرضیه‌ها، بالا بودن اهرم مالی، احتمال دریافت گزارش‌های نامقبول را افزایش می‌دهد. همچنین افزایش اهرم مالی به افزایش تعداد بندهای گزارش حسابرسان منجر می‌شود. ستایش و جمالیان‌پور (۱۳۸۸) نشان دادند با افزایش میزان بدهی شرکت‌ها، احتمال ورشکستگی شرکت‌ها بیشتر می‌شود و نامناسب بودن معیارهای اهرمی شرکت‌ها می‌تواند بحران نقدینگی را افزایش دهد. این امر احتمال دریافت گزارش نامقبول از شرکت‌ها را بیشتر می‌کند. در مقابل، دوره تصدی حسابرس احتمال دریافت گزارش‌های مقبول را افزایش می‌دهد و موجب کاهش بندهای گزارش حسابرسان، به جز بندهای بعد از اظهارنظر می‌شود. خلاصه نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش در جدول ۸ مشاهده می‌شود.

جدول ۸. خلاصه نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

محتوای گزارش حسابرسان				نوع اظهارنظر	حاکمیت شرکتی
بندهای عدم توافقی	بندهای محدودیت	بندهای بعد از اظهارنظر	بندهای قبل از اظهارنظر		
تأیید	رد	تأیید	تأیید	تأیید	مرجع حسابرسی
تأیید	رد	رد	رد	رد	استقلال هیئت‌مدیره
رد	رد	تأیید	رد	تأیید	دوگانگی وظیفه مدیرعامل
تأیید	رد	رد	تأیید	تأیید	درصد مالکیت نهادی

References

- Amini, P., Mohammadi, K. & Abbasi, SH. (2011). Factors affecting the issuance of qualified audit report, the application of neural networks. *Journal of Management Accounting*, 4 (11): 25-39. (in Persian)
- Baradaran Hasanzadeh, R., Badavar Nahandi, Y. & Hossein Babaei, Gh. (2012). A Survey of the Relationship between Corporate Governance with Created Shareholder Value (CSV) and Economic Value Added (EVA). *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 19(68): 1-16. (in Persian)
- Barizah, N., Baker, A., Rahim, A., Rahman, A. & Rashid, A. (2005). Factors influencing -auditor independence. *Managerial Auditing Journal*, 20(8): 273-356.
- Beasley, M. (1996). An empirical analysis of the relation between the board of director composition and financial statement fraud. *The Accounting Review*, 71(4): 433-465.
- Craswell, J. & Loughton, S. (2002). Auditor independence and fee dependence. *Journal of Accounting and Economics*, 33(2): 253-275.

- Elson, C. M., Helms, P. M. & Moncus, J. R. (2002). Corporate Governance Reform and Reemergence from Bankruptcy: Putting the Structure Back in Restructuring. *Vanderbilt Law Review*, 55(1): 1917-1932.
- Emby, R. & Davidson, A. (1998). The effects of engagement factors on Auditor independence. *Journal of International Accounting, Auditing & Taxation*, 7(2):163-179.
- Fama, E.F. & Jensen, M.C. (1983). The separation of ownership and control. *The Journal of Law and Economics*, 26(2): 301-325.
- Farrugia, J. & Baldacchino, J. (2005). Qualified audit reports in malta. *Managerial Auditing Journal*, 20(8): 823–843.
- Gul, F.A., Lee, D.S. & Lynn, M. (1992). A note on audit qualification and switches: some further evidence from a small sample study. *Journal of International Accounting, Auditing & Taxation*, 1(1): 111-120.
- Habibzadeh Baygi, S J., Najriyan, M., Najari, H. & Kholousi, A. (2012). The Effects of Corporate Governance Mechanism on the Audit Report: Applying Fuzzy Regression, *International Journal of Business and Management Tomorrow*, 2(7): 1-12.
- Hassas Yeganeh, Y. & Azinfar, K. (2010). Relationship between audit Quality and audit firm size. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 17 (61): 85-98. (in Persian)
- Hassas Yeganeh, Y. & Dadash, I. (2010 A). Effect of corporate governance on the independent auditor's opinion. *Journal of Management Accounting*, 3(5): 65-73. (in Persian)
- Hassas Yeganeh, Y. & Dadash, I. (2010 B). The effect of corporate governance on auditors' decisions about risk and planning. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 2 (5): 39-63. (in Persian)
- Hudaib, M. & Cooke, T.E. (2005). The impact of managing director changes and financial distress on audit qualification and auditor switching. *Journal of Business Finance & Accounting*, 32 (9/10): 1170–1210.
- Jahankhani, A. (1994). Strategies of Long-term corporate financing. *Journal of Financial Research*, 1(2): 5-36. (in Persian)
- Jamil Al-Sufy, F., Almbaideen, H., Al- Abbadi, H. & Makhlof, M. (2013). Corporate governance and Its Impact on the Quality of Accounting Information in the Industrial Community Shareholding Companies Listed in Amman Financial Market-Jordan. *International Journal of Humanities and Social Science*, 3(5): 184-195.
- Lin, J. & Liu, M. (2009). The impact of corporate governance on auditor choice: Evidence from China. *Journal of international Accounting, Auditing and Taxation*, 18(1): 44-59.

- Lin, W.J. & Hwang, I. M. (2010). Audit Quality, Corporate Governance, and Earnings Management: A Meta-Analysis. *International Journal of Auditing*, 14(1): 57-77.
- Mashayekhi, B. & Jalali, F. (2012). Cultural values and corporate governance. *Journal of Financial Research*, 4(14): 51-61. (in Persian)
- Maug, E. (1998). Large shareholders as monitors: Is there a trade-off between liquidity and control? *Journal of Finance*, 53(1): 65-98.
- Moustafa, S. & Abd Elsalam, M. (2012). Corporate Governance Practices and Audit Quality: An Empirical Study of the Listed Companies in Egypt. *World Academy of Science, Engineering and Technology*, 71(1): 1292-1297.
- Namazi, M., Bayazidi, A. & Jabbarzadeh Kangarlue, S. (2011). Relationship between audit quality and earnings management of Listed companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Research*, 3(9): 1-9. (in Persian)
- Nikbakht, M. & Taheri, Z. (2014). Investigating the Relationship between Corporate Governance and Systematic Risk. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 21(1): 109-126. (in Persian)
- Noravesh, I. & Ebrahimi Kordlar, A. (2005). Survey of the relationship between Composition of shareholders with information asymmetry and usefulness of the accounting performance criteria. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 4 (42): 97-124. (in Persian)
- Norvesh, I., Karami, G. & Vafi Sani, J. (2009). Surviving the relationship between corporate governance mechanisms and agency costs of firms listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Research*, 1 (1): 4-27. (in Persian)
- Pereira, A. N. (2009). Corporate governance and quality of Accounting Information: The Relation of content and logit between fiscal board and independent auditor opinion in Brazilian companies listed at BOVESPA (2006). Working paper, *Social Science Research Network Electronic Paper Collection*.
- Ramazan-Ahmadi, M. & Jamali, K. (2014). The Effect of Audit Quality on Future Stock Returns of Listed Companies in Tehran Stock Exchange. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 20(4): 1-20. (in Persian)
- Setayesh, M., Jamaliyanpour, M. (2009). A Survey of the Relationship between financial ratio and non-financial variables on auditor opinion. *Journal of Accounting Research*, 1(2): 130-157. (in Persian)
- Spathis, T. (2003). Audit Qualification, Firm Litigation, and Financial Information: An Empirical Analysis in Greece. *International Journal of Auditing*, 7(1): 71-85.